

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم اپریل ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۵۲

مُلحدنامه

— ۱۸ —

آگاهی یافتن پدر نامبرده از کون دادن او

و تنبیه کردن

چو عبدالعلی خان خیردار شد
ندارد شب و روز کاری، جز این
زمین بستر و ریش او، وقت کار
طلب کرد او را به خلوتگهی
نخستین برو بانگ زد، از غضب
پس انداز خلق از بزرگ و ز خرد
ز اسباب راحت ترا چیست، کم
به گیتی کنی زرد، رنگ مرا

که آن سقله با مُغلمان، یار شد
که ساید به دست و به زانو زمین
وزان کار ناید ورا، هیچ عار
که کس را نبود اندران جا، رهی
که ای قلتیان شکل مادر جلب
شکم پاره کیر سهراب گرد
که از کیر مردم کنی پُر، شکم
به خاک افگنی، نام و ننگ مرا

تو خود را میندار، فرزند من
 ندانم، که در باغ آن شوم زشت
 چه مادر بود قحبه تخم از حرام
 بفرمود فرّاش و چوب آورند
 دویند فرّاشها، در زمان
 ببردند یک پشته چوب انار
 بیستند پایش، به شاخ درخت
 ز هر سو سه فرّاش با دستبرد
 ز هنگام شبگیر، تا چاشتگاه
 همه ناخن، از پای آن شوم بخت
 از آن پس گشادند، پایش ز دار
 بسی چوب بر کون و پشتش زدند
 نگو بخت را رخ پر از گرد و خاک
 همی گفت، که ای باب^۱ با دین و داد
 که گر من دهم بعد ازین هیچ کون
 بفرمود، تا دست برداشتند
 که با وی به هر جای، همره بود
 نگو بخت بیچاره، از کیر ماند
 به هر سو، که می رفت آزرده تن

* * *

^۱ - "باب": کلمه دری و در معنای "پدر" و "بابه"